اطلاعیه

بارش خون از آسمان یا جریان خون در خیابان

پیرامون دستگیری موسوی و کروبی

می گویند زمانیکه هلاکوخان مغول بغداد را فتح کرد اعراب شایع ساختند که اگر المعتصم بالله آخرین خلیفه عباسی را که نماینده خدا بر روی زمین است به قتل برسانی از آسمان خون می بارد. هلاکوخان در تصمیم خود دچار تردید شد. خواجه نصیرالدین طوسی وزیر با کیاست هلاکوخان توصیه کرد که خلیفه را در لای نمدی بپیچند بر بام برند و آنقدر مشت و مال دهند تا له شود و بمیرد. چون مرگ تدریجی است به محض اینکه نشانه هائی از ریزش خون در آسمان پدید آید از کشتن وی دست بردارند. این حیله موثر افتاد و خلیفه مسلمین جانش را داد به آیت الله خامنه ای.

حال تاریخ به صورت مسخره تکرار می شود و این بار در ایران است. سخن بر سر رهبران فتنه است. قایم با شک رهبران جمهوری سرمایه داری اسلامی در برخورد به رهبران اصلاح طلب از همین جا سرچشمه می گیرد. آنها استخاره می کنند که بزنیم یا نزنیم و منتظرند که پاسخ مثبت باشد و از آسمان خون نبارد. ولی چه کسی تضمین می کند که از آسمان خون نبارد و مردم به خیابانها نریزند و در دیوارهای دژ حاکمیت رخنه ای پدید نیاید؟

آنها نخست به فتنه گری متهم شدند که باید قوه قضائیه آنها را دستگیر محاکمه کرده و به سزای اعمالشان برساند. سپس تقاضای اعدام آنها مطرح شد و حال آخوند جنتی در نماز جمعه خواسته است که آنها را مانند آیت الله منتظری به حصر خانگی بدون تماس با کسی مجبور کنند تا بمیرند و خیال آنها راحت شود. در این نمد مالی اگر دیدند از آسمان خونی نبارید حکم اعدام را نیز برایشان صادر می کنند.

چقدر شرم آور است که مشتی اوباش که در مجلس ایران لانه کرده اند در جلوی دوربین تلویزیون به عنوان نمایندگان منتخب مردم ایران حکم اعدام صادر کنند بدون اینکه دادگاهی در کار بوده باشد و به جرم متهمان رسیدگی کرده باشد. رئیس قوه قضائیه خفقان گرفته است ولی رئیس قوه مقننه کار قضائی را پیش می برد و قطعنامه در مجلس صادر می کند. این نمایندگان با عربده های چندش آور و قیافه جلادان و دلقکهای مسخره با شلنگ تخته و جفتک زدن در صحن بهارستان در حالیکه دور تریبون جمع شده اند دستها را به هوا برده و می گویند: "مرگ بر کروبی و موسوی و خاتمی"، "موسوی کروبی اعدام باید گردد". چقدر شرم آور است که مشتی خونخوار و چاقوکش در صحن مجلس حکم اعدام صادر کنند و خود را مدافع قانون و قانونگزار جا بزنند. این کار تف سر بالا روی خود آنهاست. نشانه آن است که این اوباشان به قوانین خود ساخته خویش نیز احترام نمی گذارند و ایران برایشان وطنشان نیست ملک شخصی آنهاست. آنها برای هیچکس حقوقی قایل نیستند. چنین ننگی را در تاریخ کمتر ملتی بتوان یافت.

.. خبرگزاریها از دستگیری آقایان موسوی و کروبی همراه ... ادامه در صفحه ۱۰

بارش خون...

با همسرانشان و انتقال آنها به مکانی نا معلوم خبر دادند و این سناریوی آخوند جنتی و شاه خامنه ای است تا نمد مالی آغاز شود. یکی از مطلعین نزدیک به رهبران منتسب به اصلاح طلبی نام این مکان نامعلوم را زندان حشمتیه نا میده است. البته همانطور که در همه استبدادهای خودکامه مرسوم است کوچکترین تشریفات قانونی برای دستگیری مخالفین صورت نگرفته است. ولی فقیه با قلدر منشی اعلام کرده که آنها فتنه گرند و همین ادعای رهبر کافیست که بدون اثبات جرم و تنها بر اساس منویات ذات ملوکانه کسی را دستگیر کرده به زندان انداخته مورد ضرب و شتم قرار داده و سرانجام در زیر شکنجه به قتل برسانند و آنها را فتنه گر بدانند. یک فرد مستبد با تاج ولایت فقیه دارای این اختیار تام است که بر جان و مال و ناموس ۷۳ میلیون جمعیت ایران حاکم باشد.

موسوی و کروبی خودشان از نزدیکان رهبر بودند و سالها با همین ماشین آدمخواری کار کردند و صدای مخالفین را خفه نمودند. حزب ما در اینجا قصد ندارد سوء سابقه این رهبرانی را که فعلا اصلاح طلب شده اند مورد بررسی قرار دهد. حتی اصلاح طلبی آنها نیز همراه با هزار اما و اگر است. اگر کسی از گذشته خود اظهار ندامت کند باید در عمل نشان دهد که اعمال نادرست گذشته مورد تائیدش نیست و از این ببعد حداقل بر اساس تجربه اندوزی آموخته است که دموکراسی را نمی توان به صورت ناپیگیر مطرح و مورد حمایت قرار داد. کسی که از گذشته آموخته است از حقوق دموکراتیک همه مردم حمایت می کند، هوادار تساوی حقوق زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی است. هوادار آزادی احزاب و سازمانهای صنفی و سیاسی است. هوادار آزادی رسانه های گروهی است. مخالف سانسور است و از آزادی همه زندانیان سیاسی دفاع می کند...

ولی رهبران باصطلاح اصلاح طلب می خواهند بر متن قانون اساسی ارتجاعی کنونی مبارزه کنند که طبیعتا جائی برای مبارزه آنها باقی نمی گذارد. این قانون اساسی همانگونه که بارها در این باره نوشته ایم دارای یک متن مکتوب و یک متن نانوشته است که در عبارات "منافع اسلام" تلخیص می شود. وظیفه تفسیر آن نیز بعهده کسی است که ولی فقیه است و قدرت سیاسی و سرکوب را مشترکا در دست دارد. چماق اقناعش بسیار درد آور است.

بهر صورت این رهبران در گذشته هرگز از حقوق بشر و نقض حقوق دموکراتیک حمایت نکردند و براحتی نمی توانند این بی اعتمادی مردم را بر طرف کرده و لکه ای را که بر دامانشان چسبیده است پاک نمایند. جریانهائی نظیر سازمان انقلاب اسلامی یک جریان آدمخوار و ارتجاعی در بدو انقلاب بود و در تمام سرکوب مخالفین دست بالا را داشت و در تحکیم این دستگاه فاشیستی پیشقدم بود.

مشکل از زمانی شروع شده که بخشی از حاکمیت در مورد این اصلاح طلبان که مصلحت نظام را در پاره ای تغییرات می بینند همان روشهائی را بکار گرفته است که در مورد سایر مخالفان اعمال می کرد. خامنه ای رهبر مستکبر با تاج پادشاهی اش یکباره از سران فتنه سخن می راند و غلامان حلقه بگوش وی نیز سر می جنبانند. در کشوریکه تا کنون مرجع رسیدگی وجود نداشته و در گذشته نیز دست مردم برای شکایت بهیچ جا نمی رسید نباید تعجب کرد که آقایان کروبی و موسوی دستشان برای شکایت از ظلمی که به آنها می شود به جائی برسد. آنها خودشان هرگز به چنین مراجعی برای تظلم خواهی اعتقادی نداشتند که امروز ثمره مثبت آنرا در زمانیکه حق خود آنها ضایع می شود ببینند. وقتی کسی حقوق دیگران را برسمیت می شناسد در حقیقت حقوق خودش را برسمیت شناخته است. آن کس که با نقض حقوق دیگران سرپا می ایستد وقتی نوبت نقض حقوقش می رسد دیگر نمی تواند روی پای خود بایستد و تازه به اهمیت حمایت از دموکراسی، پی می برد .جنبشی که در ایران بنام جنبش سبز شهرت یافته هوادارانی دارد که با اشاره و یا حتی بی اشاره رهبرانشان برای مخالفت با رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی به میدان... **ادامه در صفحه۱۱**

بارش خون...

می آیند و شعارهای خویش را در عمل اصلاح کرده و راس رژیم و جمهوری سرمایه داری اسلامی را مورد هدف قرار می دهند. نمایشات اعتراضی در ماه اسفند و همزمان با آن تحولات عمیق دموکراتیک در منطقه خاور میانه به این جنبش جان تازه ای داده است و می خواهند با آموزش از جنبش خلقهای عرب به صورت بی گسست به خیابانها آمده و حضور فعال و روحیه قوی خویش را به حاکمیت نشان دهند و بگویند که تهدیدات آنها کارساز نیستند. این حضور مردم در خیابانها بی اعتنائی به دستگاههای سرکوب رژیم و بیان این واقعیت است که ترس و درد به جائی در حد خود می رسد که دیگر بالاتر از سیاهی رنگی نمی ماند. پیشنهاد برای حضور مرتب نمایشات اعتراضی در روز سه شنبه که همزمان با شب چهارشنبه سوری در ایران است بشدت رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی را نگران کرده است. به گروگان گرفتن رهبران اصلاح طلب از جانبی و ایجاد یک وحدت ظاهری میان رئیس قوه قضائیه، مجریه و مقننه در کنار حمایت شهردار تهران از دستگاه سرکوب رهبری و تحت فشار قرار دادن رفسنجانی و خاتمی و همدستی مصلحتی با رفسنجانی همه برای آنست که ضربه قطعی را وارد کنند. آنها چشمشان به آسمان نیست به خیابان است که تا کجای آنرا خون می گیرد. تمام این تدارکات و بسیج نمودنها پس از طغیان توده های عرب که در اسلامی بودن کشورشان کسی شک ندارد از این جهت صورت می گیرد تا از رشد مبارزه مردم جلوگیری کند. گروگان گیری رهبران جنبش سبز یک اقدام غیرقانونی خودسرانه و ضد بشری است که هدفش سر به نیست کردن آنها و نشان دادن به اپوزیسیون ایران است که رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی نظریاتی مانند افکار این رهبران را نیز بر نمی تابد چه برسد به سایرین. سایرین باید ماستهای خویش را کیسه کنند و صدایشان در نیاید.

حزب ما حصر خانگی موسوی و کروبی و زندانی کردن آنها را که نشانه عجز و درماندگی رژیم مافیائی سرمایه داری جمهوری سرمایه داری اسلامی است شدیدا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنهاست. رژیمی که سراپا در فساد و خودسری و ترور و نقض قانون غرق است مشروعیت آنرا ندارد که موسوی و کروبی را محاکمه کند. حمایت از حقوق انسانی و قانونی کروبیها و موسویها حمایت از یک اصل بدیهی در بنای هر نظام دموکراتیک است. مبارزه با نظریات نادرست آنها یک مبارزه نظری است که به کمک شمشیر ذوالفقار حل نمی شود. این حرکت قلدرمنشانه، غیر قانونی و ضد بشری ولی فقیه نشانه ترس وی از مردم است. آنها احساس می کنند که توفان برچیده شدن آنها در راه است و با چسبیدن به خس و خاشاک می خواهند خودشان را نجات دهند. آنها باید بیاموزند که راه فرار ندارند و اموال دزدیشان را امپریالیستها ضبط می کنند. آنها باید در ایران بمانند و حساب پس دهند. خلق ایران مانع از آن می شود که مانند شاه فرار کنند.

حزب کارایران(توفان)

سه شنبه دهم اسفند ۱۳۸۹

*****